

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»  
۲۴ فبروری ۲۰۱۴

## حیله دور اسقاط در قبرستان افغانستان

۲

دادن فدیة برای نماز های فوت شده میت در دور اسقاط:

قبل از همه باید گفت: عبادت نماز در دین مقدس اسلام در هیچ وقت از ذمه یک فرد مسلمان ساقط نمی گردد و به هر اندازه ای که توان داشته باشد، مکلف به اجرای این عبادت است:

طوری که می فرماید: «لا یکلف الله نفسا إلا وسعها» (بر هیچ شخصی بیشتر از توانش بار نخواهد مان).

بناءً در تعریف و تکلیف عبادات اسلامی از آنجمله نماز همین قاعده کلی است که شخص به هر اندازه ای که توان داشته باشد مکلف به اجرای همان بخشی از عبادت است.

محدثین می نویسند در یکی از روز ها که حضرت عمران بن حصین مریضی سخت بواسیر داشت، در مورد این که چگونه عبادت نماز خویش را انجام دهد؟ نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت و در مورد چگونگی ادای نماز از آنحضرت جویای جواب شد:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در جوابش فرمود: «صل قائما فإن لم تستطع فقاعدا فإن لم تستطع فعلى جنب» (به حالت ایستاده نماز بخوان، اگر توان ایستادن نداشتی بحالت نشسته نماز بخوان و اگر توان نشستن را هم نداشتی به پهلو خوابیده و نماز بخوان) (نسائی دار قطنی ۲۴۶)

این حکم در نسائی به الفاظ ذیل آمده است: «فإن لم يستطع فمستلقيا لا یکلف الله نفسا إلا وسعها»

(بخاری جلد اول صفحه ۱۵۰) (و نماز بخوان، خداوند متعال بر هیچ شخصی بیشتر از توانش بار نخواهد ماند)

در حدیثی دیگری حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما فرماید که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است «اگر شخص توان سجده را نداشت با اشاره نماز بخواند، البته هنگام سجده چیزی به پیشانی خود بلند نکند.» (مراد از اشاره، اشاره نمودن با سر است نه با چشم و ابرو).

با در نظر داشت آیات قرآنی و احادیث نبوی بر شخص واجب است که تا حد توانائی اش بصورت ایستاده نماز بخواند.

در صورتی که شخص توانائی ایستادن را نداشته باشد، نماز خویش را نشسته بخواند، و (در این حالت) افضل آنست که در قیام به صورت چهار زانو بنشیند.

و اگر شخص نتواند بصورت نشسته نماز بخواند، بر پهلو نماز بخواند طوری که رویش بطرف قبله باشد، و مستحب آنست که بر پهلو راست دراز بکشد.

اگر باز هم نتوانست بر پهلویش نماز بخواند، پس بر پشت خوابیده نماز بخواند.

و اگر کسی قادر باشد که به ایستادن نماز بخواند اما نتواند به رکوع و سجده برود، باید به حال ایستادن نماز بخواند البته ایستادن از او ساقط نمی شود، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع (با سر و سینه، یا اگر با هردو نتوانست فقط به وسیله یکی از آندو) اشاره کند، سپس بنشیند برای سجده نیز اشاره کند. (سر و سینه اش) را به پائین متمایل کند.

خداوند می فرماید: « **وَقَوْمًا لِلَّهِ قَتِيلِينَ** » (البقرة: ۲۳۸). (و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا به پاخیزید!).

و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**صَلِّ قَائِمًا**». «به حالت ایستادن نماز بخوان» و نیز به خاطر عام بودن فرموده حق تعالی که می فرماید: «**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ**» (سوره التغابن: آیت ۱۶). (هر آن اندازه که در توان دارید از خدا بهراسید و پرهیزگاری کنید).

و اگر شخصی مبتلا به مریضی درد چشم باشد، و یک داکتر معتمد برایش توصیه نماید که تو می توانی تنها بر پشت خوابیده نماز بخوانی امکان مداوای تو هست و گرنه نمی توان مداوا نمود، پس او می تواند بر پشت دراز کشیده و نماز بخواند.

و هرکسی توانائی رکوع و سجده را نداشت، برای هر دو می تواند با اشاره (سر و سینه یا یکی از آندو) آن را انجام دهد، البته برای سجده اندکی بیشتر خود را کج (یا رو به پائین متمایل) کند.

۸- کسی که (تنها) برای سجده بردن ناتوان بود، باید رکوع (را طبق معمول) انجام دهد و برای سجده (با سر و سینه یا فقط یکی از آندو) رو به پائین اشاره کند.

و اگر کسی که نتواند پشتش را با گردنش در یک انحنا قرار دهد و اگر پشتش انحنا و خم دارد گویا که در رکوع است؛ در اینحالت هرگاه قصد رکوع کرد کافست اندکی بر انحنایش بیفزاید (کمی خود را خم کند)، و در سجده هم تا جایی که برایش ممکن است پیشانی را بیشتر نزدیک زمین بگرداند.

و اگر شخص نتواند با سرش هم اشاره کند (سرش را خم کند)، پس تکبیرة الاحرام کند و شروع به قرائت نماید و قیام و رکوع و برخاستن از رکوع و سجده و برخاستن از سجده و نشستن بین دو سجده و نشستن برای تشهد را در قلبش نیت کند (یعنی در قلبش نیت و تصور کند که مثلاً الان در رکوع یا سجده است و رکوع و سجده می برد) و اذکار هر کدام را بخواند، اما آنچه بعضی از مریضان که با اشاره انگشت انجام می دهند، اصلی ندارد.

**خواننده محترم!**

در دستاویز و هدایات فوق اسلامی با وضاحت تام دریافتیم که به هیچ صورت و هیچ شرایطی جایز نیست که کسی نماز فرضی خویش را حتی در جبهه داغ جنگ هم ترک کند.

بلکه بر هر مکلفی واجب است که در روزهایی که صحت داشته باشد و یا مریض باشد بر انجام نمازها حریص تر باشد.

جائز نیست که هیچ کس فرضی را ترک نماید تا این که وقت آن فوت شود، هر چند که مریض باشد، مادامی که عقلش را از دست نداده باشد. بلکه بر او واجب است هر اندازه که می تواند آن را انجام دهد.

اگر عمداً آن را ترک نمود در حالی که هنوز عاقل و سرحال است و می تواند آن را انجام دهد هر چند که به اشاره باشد، گناهکار است، و طوری که در فوق یاد آور شدیم، برخی از اهل علم معتقد هستند به این کار کافر می شود، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ**». «عهد و پیمانی که در میان ما و کافران فرق می گذارد، نماز است. هر کسی آن را ترک کند کافر می شود».

و نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ وَذِرْوَةٌ سَنَامِهِ الْجِهَادُ**». «سر کارها اسلام است، و ستون آن نماز است، و بلندترین قله آن جهاد در راه خدا است».

رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: « **بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ أَوْ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ** ». «فرق میان شخص مسلمان و شرک و کفر ترک نماز می‌باشد». ( صحیح امام مسلم).

با توجه به دلایل قرآنی و احادیثی که در مورد شأن و منزلت نماز بیان یافت ، این قول (یعنی تارک نماز کافر می‌شود) اصح‌تر و قوی‌تر می‌باشد.

و اما این که برخی از مریضان به فهم خود نماز خود را تا زمان بهبودی به تأخیر می‌اندازند جایز نیست، و طوری که در فوق ملاحظه فرمودید در شرع پاک و مطهر هیچ‌گونه اصل و اساس ندارد.

حتی شرع اسلامی هدایت فرموده است ، اگر بر مریض سخت آمد که هر نماز را در وقت خود بخواند، می‌تواند نماز ظهر را با عصر، و مغرب را با عشاء به صورت جمع تقدیم یا تأخیر بخواند، آن‌گونه که برایش آسانتر بود، اگر خواست عصر را جلو بیندازد و با ظهر بخواند و اگر خواست ظهر را در وقت نماز عصر به صورت جمع تأخیر بخواند، و یا اگر خواست عشاء را در وقت نماز مغرب به صورت جمع تقدیم بخواند و یا مغرب را همراه عشاء با جمع تأخیر بخواند.

### مسئولیت مسلمان در مورد نماز های قضائی :

در مورد این که شخص مسلمانان چه باید کند که نماز های قضائی را جبران نماید ، آیا آن را قضائی بیاورد و یا استغفار و توبه برایش کفایت می‌کند.

یک تعداد از علماء می‌گویند که ضرورت است که نماز های گذشته را قضائی بیاورد . ولی تعداد کثیری از علمای اسلامی بدین باور اند که قضاء نماز برای شان اساساً لازم نیست ولی بهتر است برای جبران آنها سعی نماید نماز های نوافل و رواتب را همراه با نماز های فرض بخواند.

زیرا در حدیثی از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « **إِنْ أُولَ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتَهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَةِ شَيْئًا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : أَنْظِرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ، فَيَكْمَلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ يَكُونُ سَائِرُ عَمَلِهِ عَلَى ذَلِكَ** » ( نسائی).

«اولین چیزی که در روز قیامت انسان از آن محاسبه می‌شود، نماز است، اگر نمازش صحیح باشد، رستگار شده و نجات می‌یابد و اگر خراب و ناقص باشد، زیانکار و خسارت‌مند می‌شود و اگر در فرائض نقصی باشد خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید : ببینید آیا بنده‌ام نماز سنت دارد تا با آن کاستی‌های نمازهای فرضش کامل شود؛ سپس سایر اعمالش نیز به همین ترتیب مورد محاسبه قرار می‌گیرد».

بنابراین اگر کسی تا زمان توبه نمازهایش را نخوانده است، بهتر است در کنار نمازهای فرض پنجگانه، تا جایی که برایش مقدور است از نمازهای سنت و نافله مانند وتر و تحیت المسجد و نماز ضحی غافل نماند تا ان شاءالله خداوند در قیامت نمازهایی که قبلاً نخوانده را با آن نمازهای سنت جبران کند.

### دادن اسقاط به جای نماز قضائی:

در فوق ملاحظه فرمودید که یک فرد مسلمان مکلف است که نماز خویش را در زندگی به هیچ صورت رها نکند، ولی زمانی که انسان فوت کند شخص دیگری و یا هم پول صدقه نمی‌تواند جای و مقام نماز را پر کند . نباید فراموش کرد که نماز مانند حج نیست و کسی نمی‌تواند به جای او بعد از مرگش نمازهای قضائی اش را به جا آورد، و یا بخواهد با پول نمازش را جبران کند!!

با تمام صراحت و حکم اسلامی گفته می‌توانیم که نماز با پول جبران نمی‌شود و هر مسلمانی موظف است طوری که در فوق اشاره نمودیم، در زمان حیاتش نمازهای خود را شخصاً بخواند، و بعد از مرگش دیگر قضای نمازهای او فایده ای ندارد و شریعت نیز چنین چیزی را مشروع نکرده که کسی بخواهد نمازهایش را بعد از مرگ با پول یا چیز دیگری جبران کند، برای همین است که شریعت اسلام بسیار تأکید بر ادای نمازها در سر وقت خود دارد، زیرا نماز قضاء شدنی نیست مگر برای کسی که در خواب مانده و یا به دلیل مشغله فکری یادش نبوده که وقت نماز شده است. در غیر این دو حالت قضای نماز مشروع نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم با صراحت تام فرمودند: «من نسی صلاة أو نام عنها فكفارتها أن يصلّيها إذا ذكرها». مسلم (۶۸۴). یعنی: «هر کس نمازی را فراموش کند یا به خواب برود و نمازش را نخواند، کفاره آن این است که هرگاه به یادش آمد آن را بخواند». همچنان قابل یاد آوری است که بعضی از عبادات مانند نماز منحصر به اوقات معینی هستند و همانگونه که نماز خواندن قبل از وقت قابل قبول نیست بعد از وقت نیز اگر عمداً و یا از روی کسالت ترك شود، قابل قبول نیست، ولی در صورتی که فراموش کرده باشد و یا خوابش برده باشد، حکم آن در فوق گذشت.

بنابراین اگر این شخص فوت کرده است، تنها می‌توان حج او را به جا آورد، اما نمازهایش قضاء شدنی نیست چه با پول باشد یا قضاء کردن توسط شخصی دیگر، بلکه بر ورثه و سایر مسلمانان است تا برایش دعای خیر کنید تا شاید الله متعال گناهایش را ببخشد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» (مسلم ۱۶۳۱)

یعنی: «هرگاه انسان بمیرد عملش قطع می‌شود؛ مگر از سه چیز: صدقه جاریه یا علمی که از آن استفاده می‌شود یا فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند». پس برایش دعا کنید تا خدای متعال گناهایش را ببامزد.

### خواندن نماز قضائی از جانب متوفی:

برخی از مسلمانان و به خصوص فرزندان میت نماز نوافل می‌خوانند و به اصطلاح می‌خواهند آن را در قضای نمازهای پدر، مادر و سایر اقارب خویش ادا نمایند.

به این تعداد از خواهران و برادران باید گفت: بر طبق نصوص شرعی، ثواب نمازهای قضاء شده برای مردگان نمی‌رسد، بناءً کسی نمی‌تواند نماز قضائی مادر و یا پدر و یا سایر خویشاوندان را که قبلاً وفات نموده اند، به جای آورد و به اصطلاح ثواب شان را را به آنان در نظر بگیرد، این امر در شرع صحیح نیست و بدعتی در دین می‌باشد و تا الان چنین امری در دین و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم وجود نداشته است!

طوری که در فوق اشاره کردیم حدیث صریح، پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ»

(هرگاه کسی مرد رابطه او با عملش قطع می‌گردد و اعمال او پایان می‌پذیرد مگر سه عمل وی که پس از مرگ نیز همچنان ادامه دارد و ثوابش به وی می‌رسد:

صدقه جاریه عملی که همواره سود و خیر آن جاری است، مانند اعمار مسجد و راه و چاه آب و مدرسه و مؤسسه خیریه و اعمالی از این قبیل که وقف می‌شود و علم و دانشی که مردم از آن سودمی‌برند که ثواب آن همیشه ادامه دارد و اولاد صالحی که همواره او را به یاد دارد و با دعای خیر و اعمال خیر از او یاد می‌کند).

هدف از صدقه جاری مالی است که وقف می‌گردد که همواره چون اصل آن محفوظ است، ثواب و پاداش آن ادامه دارد، و به صاحبش می‌رسد.

مراد از این حدیث اینست که ثواب اعمال میت قطع می‌گردد و دیگر پس از مرگ وی تجدید نمی‌شود، مگر این سه چیز که از عمل و کسب وی است و بعد از او نیز ادامه دارد و پاداش آنها به وی می‌رسد.

به روایت ابن ماجه پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: « **إِنْ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: عِلْمًا نَشْرَهُ أَوْ وُلْدًا صَالِحًا تَرَكَهُ أَوْ مَصْحَفًا وَرَثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ تَلَحُّقَهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ**»

یعنی: از جمله اعمال خیری که پس از مرگ انسان همچنان ادامه دارد و ثوابش به وی می‌رسد و قطع نمی‌شود اعمال زیر است: دانشی که او سبب انتشارش شده است، با فرزند شایسته و صالحی که از خود به جای می‌گذارد یا قرآنی که از خود به ارث می‌نهد یا مسجدی که ساخته است یا خانهای و کاروانسرای که برای راهگزان ساخته است یا جوی آبی یا چاه آبی که اجراء کرده و احداث نموده است یا صدقه جاریه و وقفی که در حال صحت و حیات خود وقف کرده و بعد از مرگش نیز ثوابش همچنان به وی می‌رسد.

و نیز الله تعالی می فرماید: « **وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى**» (نجم ۳۹) یعنی: و این که برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

بنابراین تنها امکانی که برای اهدای ثواب به مردگان از طرف ما است، **دعای خیر برای آنها و صدقه دادن به فقراء و اهدای ثواب آنها به مردگان**، مثلاً ثواب نماز به مرده نمی رسد ولی دعای شما برای اموات مؤمن و موحد سودمند خواهد بود ان شاءالله در ضمن کسی نباید خود را از اجر کارهای نیکش محروم سازد و بلکه باید توشه ای برای روز واپسین داشته اشد.

همچنین بنا بر نظریه صحیح از اقوال علماء **اهدای ثواب روزه نفلی** (یا قضای روزه رمضان) برای مرده جایز است، و اهدای ثواب آن به مردگان موحد جایز می باشد.

و بر اساس **ارجحترین رأی علماء ثواب قرائت قرآن به اموات نمی رسد** و دلیل خود را آیت ۳۹ سوره نجم آورده ند : « **وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى** » (یعنی: برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و نیز آیت: **(لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ)** بقره ۱۳۴. یعنی: دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست.

### به طور خلاصه:

**اولاً:** فتوای صحیح علماء این است که انجام عمل نیک از طرف زنده برای مرده جز در مواردی که شریعت محدوده آن را بیان نموده جایز نیست: مانند دعا و طلب آمرزش، حج، عمره، صدقه، قربانی و قضای روزه واجب از طرف میت.

**ثانیاً:** خواندن قرآن به نیت ایصال ثواب به مرده جایز نیست، چون از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه حدیثی وارد نشده است. سابقاً گفتیم که انجام هیچ عمل نیکی از طرف زنده برای مرده جز در مواردی که شریعت آن را استثناء نموده جایز نیست و خواندن قرآن برای میت از آن موارد نمی‌باشد. (فتاوی انجمن دایمی بحوث علمی و افتا ۴۷/۹-۴۹).

پس آنچه از اشخاصی که برای مردگان نماز قضاء شده‌شان را بخوانند، جایز نیست و این امر عملی باطل و مردود است که اصلی در شریعت اسلام ندارد.

زیرا حتی اگر شخصی در حال حیات باشد نیز اگر نماز فوت شده داشته باشد، دیگر نباید قضای آن را به جای آورد زیرا نماز واجبی مقید به زمان خاص است یعنی هر نماز را باید در وقت مشخص شده خود خواند و اگر از وقت خود خارج گردید، دیگر خواندن آن نماز سودی نخواهد داشت.

چنانکه الله تعالی می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (سوره نساء ۱۰۳) یعنی: به حقیقت نماز بر مؤمنین در زمان مشخص خود بر آنها واجب شده است.

و در اصل، خواندن نماز برای مرده و یا زنده مشروع نیست، امام قرطبی در تفسیرش فرمود: «وَأَجْمَعُوا أَنَّهُ لَا يَصَلِّي أَحَدٌ عَنْ أَحَدٍ»، یعنی: «و علماء اجماع کردند که هیچ کس برای دیگری نماز نمی خواند»، زیرا نماز یک عبادت بدنی است که هر شخصی مکلف است خودش آن را به جای بیاورد.

هرگاه مسلمانی فوت کرد باید بدون تأخیر وی را غسل داده و کفن نمایند و آنگاه بر وی نماز جنازه بخوانند و سپس وی را بدون تأخیر دفن نمایند، اما پول جمع کردن برای جبران نمازهای فوت شده وی نه فایده دارد و نه اصلی در شریعت دارد، و نمازهای فوت شده با پول جبران نمی شود، بلکه هر مسلمانی موظف است در زمان حیاتش تمامی نمازهای فرضش را در سر وقت خود بخواند.

اما کسی که نماز فوت شده دارد باید توبه کند و دیگر هیچ گاه زمینه آن را مساعد نسازد که نمازش فوت شود، وگرنه گناهکار می شود و گناه فوت نماز از گناه شراب خواری نیز بیشتر است، و نمی توان با پول آن را جبران نمود. وطوری که گفتیم: برای جبران آن نمازها باید کسی که نماز قضاء دارد، نمازهای سنت بخواند مانند نمازهای راتبه و ضحی و وتر و تحية المسجد و .. زیرا در حدیث صحیح از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَحْسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ، فَإِنْ أَتَمَّهَا وَ إِلا قِيلَ النَّظَرُوا لَهُ مِنْ تَطَوُّعٍ، فَأَنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ أَمَلَتْ الْفَرِيضَةَ مِنْ تَطَوُّعِهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ بِسَائِرِ الْأَعْمَالِ الْمَفْرُوضَةِ مِثْلَ ذَلِكَ». (ابن ماجه (۱۴۲۵)).

یعنی: «اولین چیزی که بنده مسلمان در روز قیامت از آن محاسبه می شود، نماز فرض است؛ اگر آن را به طور کامل انجام داده که خوب، در غیر این صورت گفته می شود: نگاه کنید آیا نماز مستحبی دارد؛ اگر نماز مستحبی (نماز سنت) داشته باشد نماز فرضش از آن کامل می گردد. سپس با سایر اعمال واجب او نیز چنین عمل می شود». اما کسی که فوت کند، امکان جبران نمازهای فوت شده اش دیگر با پول، و اسقاط و یا اینکه کسی دیگری، به جای آن نماز بخواند، وجود ندارد.

همچنان بر شخص زنده از لحاظ شرعی جایز نیست که به عنوان جبران نمازی های فوت شده شخصی متوفی نماز بخواند و یا هم اسقاط به جای نماز تأدیه نماید. بلکه در مقابل می تواند نمازهای نفلی برای خود به جا آورد و برای شخصی متوفی دعاء نماید، این دعاء به حق میت انشاء الله استجاب می نماید.

ادامه دارد